

تحلیلی بر یافته های باستان شناسی تپه قبرستان چهر، شهرستان هرسین

محمد اقبال چهری

استادیار گروه باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

eghbal1262@yahoo.com

صفورا سبزیان پور

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان شناسی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۷

چکیده

بر اساس مطالعات باستان شناسی، در شهرستان هرسین تعدادی نقوش برجسته سنگی، گوردخمه و سازه هایی سنگی نظیر کاخ و پل با سنگ های تراش خورده وجود دارند. لذا این منطقه و به خصوص دامنه کوه بیستون از نظر حجاری سنگی و کار بر روی سنگ در دوره های مختلف تاریخی از اهمیت زیادی برخوردار بوده است و در زمره مناطق شاخص باستان شناسی ایران به شمار می رود. سهولت دسترسی به سنگ های آهکی کوههای صخره ای منطقه، باعث گردیده تا در دوره های اشکانی-ساسانی با معادن تولید سنگ تراشدار مواجه شویم. بر روی برخی از سنگ قبور این قبرستان ها، نقوش برجسته پیکره ای و سنگ هایی تراش خورده با علائم حجار وجود دارند که مطالعه دقیق آنها باعث پیشبرد باستان شناسی منطقه می شود و می تواند برخی از مسائل باستان شناسی در مورد سنگ تراشی و نقوش برجسته سنگی را روشن سازد. قبرستان چهر در ۱۵ کیلومتری جنوب بیستون، از جمله محوطه های منطقه است که بر سطح آن، قطعات سفال، سنگ های تراش خورده و نقوش سنگی وجود دارد و تاکنون مطالعه باستان شناسی خاصی در مورد آن انجام نگرفته است. این مقاله به تحلیل باستان شناختی یافته های قبرستان چهر متشکل از سفال، سنگ های تراشدار با علائم حجار و نقوش سنگی اختصاص دارد که بر اساس مطالعات مقایسه ای و تحلیل های باستان شناختی، تاریخ استقرار در محوطه به عصر برنز، عصر آهن در دوره ماد و سپس اشکانی-ساسانی می رسد. با توجه به تاریخ سنگ قبور از دوره صفوی به بعد از محوطه به عنوان قبرستان استفاده شده است.

واژگان کلیدی: قبرستان چهر، سنگ های تراش خورده، نقوش سنگی.

مقدمه

مدارک باستان شناختی به دست آمده در شهرستان هرسین به عنوان یکی از مناطق تاریخی- فرهنگی استان کرمانشاه، بیانگر وجود محوطه های باستانی متعدد در دوره های مختلف پیش از تاریخ و تاریخی تا دوره اسلامی بوده است. برخی از این محوطه های شاخص منطقه شامل غار شکارچیان بیستون (Coon, 1951)، غار خر (Young and Smith, 1966)، تپه گنج دره (Smith, 1975)، گوردخمه سکاوند (وندنبرگ، ۱۳۷۹) و در بیستون (کلایس و لوشای، ۱۳۸۵) نقش برجسته داریوش، نقش سنگی هرکول از دوره سلوکی، نقوش برجسته سنگی مهرداد دوم، گودرز و بلاش از دوره اشکانی، دیواره فرهاد تراش و کاخ ناتمام خسرو از دوره ساسانی و از دوره اسلامی قلعه سرماج، کاروانسراهای ایلخانی و صفوی است. بنابراین در این منطقه، ایجاد گوردخمه و نقوش برجسته سنگی در دامنه های صخره ای کوهها و استفاده از سنگ های تراش خورده برای ساخت بنا در دوره های مختلف تاریخی از اهمیت به سزایی برخوردار است که یکی از دلایل آن سهولت دسترسی به سنگ به دلیل صخره ای بودن کوههای منطقه است. نگارنده در بررسی باستان شناختی منطقه متوجه شد که استفاده از سنگ و ایجاد نقوش سنگی مختص به این موارد نبوده

است، بلکه حتی در سطح برخی از قبرستان ها نیز قطعات سنگ های تراش خورده و نقوش پیکره ای سنگی وجود دارد که تاکنون هیچ گونه پژوهشی در موردشان صورت نگرفته است و با مطالعه آنها می توان به ابعاد جدیدی از هنر سنگ تراشی و نقوش برجسته سنگی در دوره های اشکانی- ساسانی پی برد. یکی از قبرستانهای شاخص منطقه که در سطح آن، آثاری از سنگ های تراش خورده و نقوش برجسته پیکره ای سنگی دارد، تپه قبرستان چهر است که با مطالعه دقیق یافته های سطحی آن، می توان به جنبه هایی از مسائل باستان شناسی موجود در منطقه پاسخ داد.

پیشینه مطالعات باستان شناسی منطقه

در منطقه هرسین فعالیت های علمی زیادی توسط باستان شناسان ایرانی و خارجی صورت گرفته که به شناسایی محوطه های زیادی از دوره پارینه سنگی تا دوران متأخر اسلامی منجر شده است. نخستین فعالیت های باستان شناسی منطقه، توسط هوزینگ در اوایل دهه ۱۹۲۰ م صورت گرفت که به معرفی یکسری آثار باستانی موجود در منطقه همچون قلعه سرماج پرداخته است (Husing, 1921). سپس بررسی محدوده سراب هرسین و معرفی آثار سنگی آن توسط گدار در سال ۱۹۳۱ م انجام گرفت (گدار، ۱۳۶۴). استین به بررسی و گمانه زنی در برخی محوطه های دوران مفرغ منطقه در ناحیه بین تلیاب و دماویز اشاره نموده است (Stein,

موقعیت جغرافیایی منطقه

شهرستان هرسین با ۱۰۰۷ کیلومتر مربع مساحت و بامختصات جغرافیایی ۴۷ درجه و ۱۵ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۴۰ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ و ۳۴ درجه و ۰۵ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۲۵ دقیقه عرض شمالی از خط استوا در شرق استان کرمانشاه و در ارتفاع ۱۵۸۲ متری از سطح دریا واقع شده است. این شهرستان با مرکزیت شهر هرسین از شمال به صحنه و دینور، از شرق و جنوب به استان لرستان و از طرف غرب با بخش دروفرمان کرمانشاه همسایه است و تا شهر کرمانشاه ۴۴ کیلومتر فاصله دارد. شهرستان هرسین از لحاظ جغرافیایی به دو قسمت مجزای بیستون و هرسین (بخش مرکزی) تقسیم می گردد که این دو منطقه دارای شرایط جغرافیای کاملاً متفاوتی می باشند. بیستون متشکل از دشت بزرگ چمچمال و کوه پرآو است و بخش مرکزی منطقه ای کاملاً کوهستانی بوده که از کوه ها و دره های کوچک و بزرگ میان کوهی تشکیل شده است. در این شهرستان صرف نظر از نهرها و سراب ها و چشمه های فراوان دو رودخانه دینور آب و گاماسی آو جریان دارند. مهمترین ارتفاعات شامل کوهستان شیرز با ۲۷۰۰ و قله بزرگ پرآو با ۲۸۰۰ متر ارتفاع از سطح دریا می باشند. علاوه بر کوههای پرآو و شیرز می توان از کوههای گونبان، گل زرد، هَجَه،

355: 1940). عکس برداری برخی محوطه های باستانی شهرستان هرسین در سال ۱۹۳۶ م توسط اشمیت انجام شده است (Schmidt, 1940). کارلتون کوون در سال ۱۹۵۱ م غار شکارچیان بیستون را حفاری کرد (Coon, 1951) پس از آن، مهمترین فعالیت ها توسط هیأتی آلمانی به سرپرستی ولفرام کلایس، پتر کالمایر و هایتنس لوشای طی سال های ۱۹۶۳-۱۹۶۷ م در منطقه بیستون انجام پذیرفت که نتیجه ی آن حفاری در محوطه کاروانسرای ایلخانی و بنای ناتمام کاخ ساسانی در بیستون و همچنین معرفی یکسری آثار باستانی در بیستون و مناطق همجوار با آن بود (کلایس و دیگران، ۱۳۸۵).

سایر مطالعات باستان شناسی منطقه شامل کاوش های مهدی رهبر در کاخ ناتمام ساسانی بیستون (رهبر، ۱۳۵۷، ۱۳۸۰، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸)، بررسی و حفاری غارهای مرتاریک، مردودر و مرآفتاب (بیگلری، ۱۳۷۹، Jaubert et al, 2006)، حفاری های یوسف مرادی (مرادی، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱) و مژگان خانمرادی (خانمرادی، ۱۳۸۵) در پل بیستون، بررسی و شناسایی شهرستان هرسین توسط عباس مترجم و یعقوب محمدی فر (مترجم و محمدی فر، ۱۳۸۱) و بازنگری بررسی و شناسایی شهرستان هرسین توسط نگارنده در سال ۱۳۸۸ است. در این مطالعات باستان شناسی، تاکنون هیچ گونه مطلبی در مورد قبرستان چهر با وجود یافته های فرهنگی فراوان وجود ندارد و این ضرورت پژوهش حاضر را به وضوح توجیه می کند.

قبرستان به صورت تقریباً مستطیلی شکل با محور طولی شرقی- غربی است (تصویر ۳) که در حاضر ساختمانهای مسکونی اهالی روستا، قسمت های شمالی و غربی آن را احاطه نموده است. چشمه ای بسیار پرآب به نام سراب چهر در فاصله ی ۲۰۰ متری ضلع جنوبشرقی آن واقع شده است. ساکنان محلی نام روستا را که چهر (chehr) است با نام چیر (cheir) تلفظ می کنند که خود برگرفته از یک کلمه پهلوی ساسانی است.

سیاه کمر، زرین کوه، امامزاده و کوه چمن اسماعیل در جنوب و دراز کوه نام برد. دشت چمچمال و دشت هرسین و دره درآو، دشت ها و دره های بزرگ و مهم شهرستان بحساب می آیند. اغلب پوشش گیاهی منطقه را مراتع و مزارع شکل داده اند اما جنگل های وحشی نیز به میزان مختصر دیده می شوند. هوای منطقه معتدل است و حداکثر دما در تابستان تا ۴۰ درجه و حداقل آن در زمستان ۱۵ درجه زیر صفر است (تصویر ۱).

یافته های سطحی

بر اساس بررسی سطح محوطه می توان یافته های فرهنگی قبرستان چهر را شامل: ۱. قطعات پراکنده سفال، ۲. سنگ های تراش خورده که در مواردی علائم حجار دارند و ۳. قطعات سنگی با نقش برجسته ی انسانی دانست. متأسفانه به دلیل فعالیت های عمرانی چون جاده سازی، کندن خطوط لوله آب و گاز و استفاده از محوطه به عنوان قبرستان و سایر فعالیت های انسانی به محوطه و سنگ های تراشدار آن آسیب های نسبتاً زیادی رسیده است.

۱- یافته های سفالی

قطعات سفالی پراکنده ای در نیمه غربی سطح قبرستان قابل مشاهده بود که به دلیل تعداد

تپه قبرستان چهر

تپه قبرستان چهر در مختصات جغرافیایی N:34° و E:47°26'06.2" و ارتفاع ۱۳۲۶'19'16.2" متری از سطح دریا واقع است. از نظر موقعیت جغرافیایی، قبرستان چهر در استان کرمانشاه، شهرستان هرسین، بخش بیستون به فاصله ۲/۵ کیلومتری جنوب گاماسیاب و در ضلع شرقی روستای چهر قرار دارد. روستای چهر در کنار جاده کرمانشاه به هرسین و ۱۵ کیلومتری جنوب بیستون واقع است (تصویر ۲).

محدوده قبرستان چهر در حال حاضر با مساحت حدود ۹۸۸۲ متر دارای طول ۱۶۲ متر و عرض ۶۱ متر است که ارتفاع بلندترین نقطه آن به صورت شیبی ملایم، نسبت به سطح زمینهای اطراف حدود ۱ متر است. از لحاظ توپوگرافی، تپه

تقریباً باریک گرد از ظروف دهانه باز با خمیره نخودی رنگ و یا لبه های نسبتاً تخت قرمز رنگ با شاموت شن ریزه هستند. علاوه بر لوله ای سفالی، دو بدنه سفال با تزیینات طنابی شکل و با نقش کنده، مشابه با سفال های اشکانی بیستون به دست آمده است (هرینک؛ ۱۳۷۶). همچنین تعدادی قطعات ساده و غیر شاخص از بدنه ظروف نیز در سطح محوطه وجود داشت که دارای رنگ قرمز کم رنگ با شاموت شن و پخت کافی بودند که بر اساس مشاهدات شخصی، مشابه آنها در محوطه کاخ ناتمام ساسانی بیستون نیز دیده شده است.

در بین سفال های سطح محوطه، یک قطعه سفال لعاب دار با لعاب سبز رنگ و نقش کنده سیاه رنگ در زیر لعاب وجود داشت. این قطعه سفال از نوع اسگرافیتو دوره ی ایلخانی است که در محوطه های ایلخانی منطقه نظیر کاروانسرای ایلخانی بیستون (لوشای، ۱۳۸۵: ۳۹۸) و تپه هله بگ (چهری و گراوند، ۱۳۹۱: ۵۹) به وفور یافت می شوند (تصویر. ۴).

۲- سنگ های تراش خورده

در بین سنگ قبور قبرستان چهر، سنگ های تراش خورده مربع یا مستطیل شکل و در مواردی نیز دوزنقه ای دیده می شود که به احتمال بسیار

اندکشان، نمی توان به طور قطع راجع به این یافته های سفالی صحبت نمود. اما معرفی آنها و ذکر دوره های احتمالی این قطعات می تواند کمکی برای تاریخگذاری نسبی محوطه باشد.

برخی قطعات، سفال های منقوش احتمالاً عصر مفرغی می باشند که شامل قطعات منقوش تقریباً کوچکی با نقوش سیاه هندسی یا قهوه ای تیره بر زمینه ای نخودی بودند. تمامی این قطعات دارای نقوش هندسی با شکل های خطوط افقی و عمودی موازی با هم، نقوش زیگزاگی، نوارهای آویزان دالبری و نوارهای مثلثی شکل هستند. این نمونه ها مشابه با برخی نمونه های محوطه ی گودین III (Henrickson, 1986; fig.4- III) (21 گیان و تپه بزرگی صحنه, Henrickson, 1986; fig.26) می باشند.

یافته های سفالی احتمالی از عصر آهن نیز شامل یک قطعه سفال خاکستری روشن و ساده متعلق به بدنه ی ظرفی کاسه ای شکل و ظرفی نخودی رنگ دسته دار است که نمونه ی تقریباً مشابه این نوع ظرف دسته دار در بین سفال های گودین II (Gopnik, 2003: fig.135) قابل مشاهده است.

دسته دیگر سفال های دوره اشکانی - ساسانی هستند که به صورت سفالهایی با پخت کافی و چرخ ساز با شاموت کانی هستند که در طیفی از رنگ های قهوه ای مایل به قرمز و نخودی قرار دارند. سفال های موجود در محوطه دارای لبه های

کنگاور (کامبخش فرد، ۱۳۸۶: ۱۳۵) و پل چهر قابل مشاهده است (تصویر ۶). نکته جالب این است که علائم حجار سنگ های تراش خورده قبرستان چهر بسیار ابتدایی و ضمخت هستند و با هیچ کدام از بناهای دوره ساسانی در منطقه شبیه نیست و چه از نظر شکل و چه از نظر اندازه کاملاً متفاوت از آنها است. همچنین علائم حجار در بناهای ساسانی، عمیق تر کنده کاری شده و از سبکی پیشرفته تر و تنوعی بسیار بیشتر برخوردار است.

علاوه بر اینها، تعدادی سنگ های کاملاً تراش خورده مستطیلی و یا حتی ذوزنقه ای شکل بدون علامت حجار وجود دارند و در یک مورد نیز بلوک سنگی تراش خورده ای دیده می شود که مرکز آن به شکل ناودانی کاملاً گود شده است و می توان ارتباط آن را با عبور آب متصور شد (تصویر ۷).

به لحاظ جنس سنگ ها، شباهتی بین سنگ های آهکی تراش خورده در قبرستان چهر با سنگ های آهکی تراش خورده کاخ ساسانی بیستون و همچنین سنگ های تراش خورده قلعه سرماج (لوشای، ۱۳۸۵: ۴۰۹-۴۰۳) وجود ندارد و سنگ های این قبرستان از رنگی کاملاً روشن تر در مقایسه با سنگ های تیره رنگ تر محوطه های ساسانی بیستون برخوردار است. شبیه نبودن سنگ های قبرستان چهر با سنگ های محوطه بیستون

زیاد در ارتباط با سازه ای سنگی بوده اند. تمامی این سنگ های تراش خورده از جنس سنگ آهکی کرم رنگ هستند و در مواردی نیز علائم حجار بر روی آنها دیده می شوند. وفور این گونه سنگ های بزرگ خوش تراش، حکایت از تعلق آنها به بنایی از دوره تاریخی داشته است، اما کمبود داده های باستان شناسی به ما این اجازه را نمی دهد تا بدانیم که این بنای سنگی بر روی محوطه قبرستان چهر وجود داشته است و یا اینکه سنگ های تراش خورده را از جایی دیگر بدان جا منتقل نموده اند. البته در مرکز قبرستان، یک رج از سنگ های بزرگ کنار هم قرار گرفته به طول ۵ متر برجای مانده است که شاید متعلق به پی یک بنا باشد و این فرض با حضور سنگ های پراکنده و تراش نخورده بسیار بزرگ تقویت می شود.

برخی از این قطعات سنگی های آهکی، به صورت طولی کار گذاشته شده اند و بر روی آن ها علامت سنگ تراش نقش بسته است. این علائم حجار بر روی سنگ های محوطه تا حدودی به شکل مستطیل یا دایره با نقطه ای گرد در مرکز و دو تا سه خط آویزان شده از آن است. (تصویر ۵). علامت حجار بر روی سنگ های تراش خورده در کاخ ناتمام ساسانی بیستون (کلایس، ۱۳۸۵: ۱۵۱. رهبر، ۱۳۵۷)، پل بیستون (خانمرادی، ۱۳۹۰: ۱۲۶)، معبد آناهیتای

در بین سنگ های قبور قبرستان چهر، قطعه سنگی عمودی و شکسته وجود دارد که بر روی آن، تصویر سه نفر از روبرو و با حالتی سه ربع چهره ای دیده می شود. کلاه تخت این اشخاص دوگوش پوش بلند و باریک دارد که تا نزدیکی شانه کشیده شده و به لبه کلاه نفر کناری متصل شده است (تصویر ۹).

تصویر اشخاص در کنار همدیگر بر روی سنگ قبور قاجاری در قبرستان های منطقه چون قبرستان بیستون (کلایس و دیگران، ۱۳۸۵: عکس ۵۶)، قبرستان ظلم آباد و قبرستان "بابا وگدین" قابل مشاهده است (تصویر ۱۰). در تمامی این سنگ قبور قاجاری، چهره اشخاص کنار همدیگر را با حالتی کاملاً تمام رخ نمایش داده اند که معمولاً دو دسته مواز کنار سر آنها آویزان شده است. با توجه به این موارد، به چند دلیل نقش مذکور نمی تواند متعلق به دوره قاجاری باشد: ۱. حالت چهره ای تمامی اشخاص کنار همدیگر بر روی سنگ قبور قاجاری، به صورت کاملاً تمام رخ است، در حالی که در نقش مذکور این اشخاص حالتی کاملاً تمام رخ ندارند و چهره آنها به حالت سه ربع است. ۲. دسته موهای اطراف سر در تمامی سنگ قبور قاجاری منطقه، به صورت آویزان شده به نمایش در آمده است در حالی که در نقش مذکور حالت ایستاده و به هم متصل شده ی گوش پوش های کلاه، کاملاً

به معنای این است که نمی توان معدن سنگ دو محوطه را یکی دانست. با توجه به اینکه در فاصله نزدیکی از روستا هم اکنون نیز معادن سنگ در کوه هَچَه وجود دارند که سنگ های آن رنگی کاملاً روشن دارند، شاید معدن سنگ های این محوطه از همان کوههای اطراف روستا باشد. از طرفی دیگر، سنگ های ساسانی تراش خورده در کاخ ناتمام ساسانی، پل خسرو و پل صفوی بیستون و حتی سنگ های تراش خورده قبرستان تخت شیرین و قلعه سرماج (لوشای، ۱۳۸۵: ۴۰۹-۴۰۳)، سنگ هایی آهکی با رنگ ما یل به خاکستری و مشابه هم هستند که به احتمال بسیار زیاد، یک معدن سنگ مشترک، از همان صخره های دامنه کوه بیستون داشته اند (تصویر ۸). با توجه به این موارد، فرض آوردن سنگ های تراش خورده قبرستان چهر از دامنه کوه بیستون و حتی همزمانی با محوطه های ساسانی بیستون بعید به نظر می رسد، زیرا مطالعات باستان شناسی انجام گرفته بر روی بناهای مذکور، نشان می دهد که برای ساخت تمامی سازه های سنگی متعلق به دوره ساسانی و حتی قرون اولیه دوران اسلامی، از معدن سنگ دامنه کوه بیستون به عنوان اصلی ترین معدن سنگ منطقه استفاده نموده اند.

۳- قطعات سنگی با نقوش برجسته انسانی

نسبتاً بلند تا زیر زانو و دستانی بر کمر نشان می دهد که متأسفانه تصاویر از کمر به بالا شکسته شده و در مورد آن نمی توان اظهار نظر خاصی انجام داد (تصویر. ۱۳). به هر حال، با استناد به سنگ قبری با تاریخ ۱۱۲۰ هجری قمری در تپه قبرستان "روستای چهر" به نظر می رسد از دوره صفوی تا حال حاضر از محوطه به عنوان قبرستان استفاده شده است (تصویر. ۱۴).

نتیجه گیری

با مطالعات باستان شناسی پیشین مشخص شده است که نقوش برجسته سنگی، گوردخمه ها و سازه هایی سنگی نظیر کاخ ها، پل ها و سنگ های خوش تراش در محوطه هایی نظیر دامنه کوه بیستون و هر سین وجود داشته است. لذا منطقه مورد مطالعه از نظر کار بر روی سنگ و حجاری های سنگی در دوره های مختلف تاریخی، به خاطر داشتن کوههای صخره ای از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده است. یکی از محوطه های منطقه که سنگ های تراش خورده با علائم حجار و نقوش سنگی دارد، تپه قبرستان چهر است که تاکنون مطالعه باستان شناسی خاصی در مورد آن انجام نگرفته بود. بر سطح این محوطه تعدادی قطعات سفال شاخص از دوره های مختلف وجود دارد که تاریخ استقرار محوطه را در دوره

متمایز از موهای اطراف سر در سنگ قبور قاجاری است. ۳. کلاههای اشخاص در سنگ قبور قاجاری منطقه معمولاً به شکل کله قندی کوچک و بدون لبه یا گوش پوش است، در حالیکه اشخاص تصویر شده بر روی این سنگ قبرستان چهر دارای کلاهی تخت بزرگ با گوش پوش های آویزان شده تا شانه است.

نمونه تقریباً مشابه با نقش این سنگ، بر روی ستونی گچی از تالار شماره ۱۱ قلعه یزدگرد به عنوان بنایی برجای مانده از اواخر دوره اشکانی و اوایل ساسانی، دیده می شود (هرمان، ۱۳۷۳: ۷۶). در این ستون گچی، تصویر مردی ایستاده به صورت تمام قد و تمام رخ در درون قابی مستطیل شکل دیده می شود که با حاشیه ای طوماری شکلی از نقش های پیرامونی مجزا گشته است. این مرد کلاه نوک تیز به سر دارد که نوک آن به سمت راست خمیده شده و دو گوش پوش بلند نیز در طرفین کلاه او در و وضعیتی کاملاً مشابه با نقش سنگی مذکور تا روی شانه ها کشیده شده است (تصویر. ۱۱). همچنین شیوه نقش شدن چهره ی این اشخاص با حالت سه ربع چهره ای، تداعی کننده چهره افراد در نقاشی های دیواری کوه خواجه سیستان نیز می تواند باشد (تصویر. ۱۲).

علاوه بر این، بر روی قطعه سنگی عمودی و شکسته شده دیگر، تصویر دو نفر را با دامنی

های آهکی تیره رنگ محوطه بیستون به معنای این است که نمی توان معدن سنگ دو محوطه را یکی دانست. شکل های متفاوت این سنگ های تراشدار بیانگر تعلق آنها به بنایی در دوره تاریخی اشکانی - ساسانی در سطح تپه بوده است که وفور سنگ های بسیار بزرگ و کوچک بر روی تپه دلیلی دیگر بر این مدعاست.

یکی دیگر از یافته هایی که کمک به تاریخگذاری محوطه کرده است، قطعات سنگ قبور عمودی و شکسته با کتیبه و یا نقوش انسانی است. بر روی یک سنگ قبر تاریخ ۱۱۲۰ هجری قمری نقش بسته است که بیانگر استفاده از محوطه به عنوان قبرستان از دوره صفویه به بعد است. همچنین یک نقش سنگی جالب توجه دیگر وجود دارد که اشخاصی را با کلاه های بر روی سر نشان می دهد که لبه های بلند کلاه های این اشخاص تا روی شانها ادامه یافته و به هم متصل شده است. در نقش مذکور این اشخاص حالتی کاملاً تمام رخ ندارند و چهره آنها به حالت سه ربع است. دسته موهای اطراف سر در تمامی سنگ قبور قاجاری منطقه، به صورت آویزان شده به نمایش در آمده است در حالی که در نقش مذکور حالت ایستاده و به هم متصل شده ی گوش پوش های کلاه، کاملاً متمایز از موهای اطراف سر در سنگ قبور قاجاری است. در نهایت، کلاه های اشخاص در سنگ قبور قاجاری منطقه معمولاً به

های مفرغ، آهن (ماد)، اشکانی و ساسانی و دوره اسلامی میانه ایلخانی می رساند. از دیگر یافته های قبرستان چهر، سنگ های تراش خورده به اشکال مختلف است که در مواردی نیز علامت حجار داشته اند. علائم حجار بر روی سنگ های تراش خورده قبرستان چهر با هیچ کدام از بناهای دوره ساسانی در منطقه نظیر کاخ ساسانی بیستون، پل بیستون و معبد آناهیتای کنگاور از نقطه نظر شکل ظاهری و حتی سبک تراش مشابه نبود. علائم حجار بر روی سنگ های قبرستان چهر در مقایسه با علائم حجار سنگ های دوره ساسانی در کاخ ناتمام بیستون، پل ساسانی بیستون و معبد آناهیتای کنگاور، بسیار ابتدایی و ضمخت هستند و شاید بیانگر تاریخی قدیمی تر از اواخر دوره ساسانی هستند. از طرفی، به لحاظ جنس سنگ نیز شباهتی بین سنگ های تراش خورده در قبرستان چهر با سنگ های آهکی تراش خورده محوطه های ساسانی بیستون وجود نداشت و سنگ های این قبرستان از رنگی کاملاً روشن تر در مقایسه با سنگ های تیره رنگ تر بناهای ساسانی بیستون و محوطه های همجوار با آن برخوردار است، زیرا در دوره ساسانی و حتی اوایل دوره اسلامی، معدن سنگ تمام بناها و پل های منطقه از سنگ های آهکی تیره رنگ موجود در دامنه کوه بیستون بوده است. شبیه نبودن سنگ های آهکی قبرستان چهر با رنگ کرم با سنگ

هرسین، آرشیو سازمان میراث فرهنگی کرمانشاه (منتشر نشده).

- چهری، محمد اقبال، گراوند، زاهد، ۱۳۹۱، در جستجوی سلطان آباد چمچمال: مقایسه در منابع تاریخی با یافته های باستان شناختی تپه هله بگ، مطالعات باستان شناسی، شماره ۲، دوره ۴، پاییز و زمستان، (شماره پیاپی ۶)، دانشگاه تهران، صفحات ۶۱-۵۱.

- خانمرادی، مژگان، ۱۳۸۵، گزارش سومین فصل کاوش های باستان شناختی پل بیستون، بایگانی پایگاه میراث فرهنگی و گردشگری بیستون (منتشر نشده).

- خانمرادی، مژگان، ۱۳۹۰، شواهدی از فعالیت های پل سازی در دشت بیستون، مجله پیام باستان شناس، سال هشتم، شماره شانزدهم، پاییز و زمستان، ابهر. صفحات ۱۲۶-۱۰۷.

- رهبر، مهدی، ۱۳۵۷، علایم حجاران در بیستون، مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران (منتشر نشده).

- رهبر، مهدی، ۱۳۸۰، فصل سوم کاوش های باستان شناسی بیستون، پایگاه میراث فرهنگی و گردشگری بیستون (منتشر نشده).

- رهبر، مهدی، ۱۳۸۶، فصل چهارم کاوش های باستان شناسی بیستون، پایگاه میراث فرهنگی و گردشگری بیستون (منتشر نشده).

- رهبر، مهدی، ۱۳۸۷، فصل پنجم کاوش های باستان شناسی بیستون، پایگاه میراث فرهنگی و گردشگری بیستون (منتشر نشده).

شکل کله قندی کوچک و بدون لبه یا گوش پوش است، در حالیکه اشخاص تصویر شده بر روی این سنگ قبرستان چهر دارای کلاه تخت بزرگ با گوش پوش های آویزان شده تا شانه است. نوع لبه های کناری کلاه این اشخاص، کاملاً مشابه با کلاه مردی است که بر روی قطعه ای گچی از قلعه یزدگرد دالاهو به دست آمده است. لذا با استناد به سنگ های تراش خورده به اشکال مختلف با علائم حجار و با توجه به مطالعه سفال های شاخص بر سطح تپه قبرستان چهر، می توان گفت که احتمالاً بنایی سنگی از دوره اشکانی و به خصوص ساسانی بر سطح محوطه وجود داشته است. همچنین گونه شناسی و تحلیل سفال ها نشان داد که بر سطح محوطه سفال هایی از عصر برنز، آهن (دوره ماد)، اشکانی - ساسانی و اسلامی میانه (ایلخانی) وجود دارد. تاریخ کتیبه های سنگ قبور نیز تاریخ تغییر کاربری و استفاده از محوطه به عنوان قبرستان به دوره صفوی می رساند که تا کنون نیز از آن به عنوان قبرستان استفاده می شود.

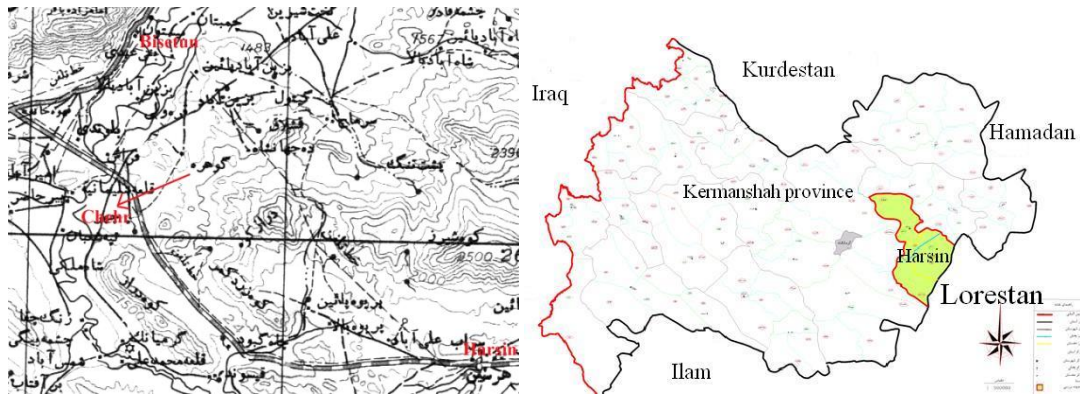
منابع

- بیگلری، فریدون ۱۳۷۹، گزارش مکان های نویافته دیرینه سنگی در بیستون، مجله باستان شناسی و تاریخ، شماره پیاپی ۲۸، صفحات ۶۰-۵۰.

- چهری، محمد اقبال، ۱۳۸۸، بازنگری بررسی، شناسایی و مستند سازی آثار باستانی شهرستان

- رهبر، مهدی، ۱۳۸۸، فصل ششم کاوش های باستان شناسی بیستون، پایگاه میراث فرهنگی و گردشگری بیستون (منتشر نشده).
- سرفراز، علی اکبر و فیروزمندی، بهمن، ۱۳۸۱، باستان شناسی و هنر دوران تاریخی ماد، هخامنش، اشکانی و ساسانی، چاپ دوم، انتشارات عفاف، تهران.
- کامبخش فرد، سیف الله، ۱۳۸۶، کاوش ها و پژوهش های باستان شناسی و احیاء معماری معبد آناهیتای کنگاور و تاق گرا، سازمان میراث فرهنگی، تهران.
- کلایس، ولفرام، هاینتس لوشای و پتر کالمایر، ۱۳۸۵، بیستون: کاوش ها و تحقیقات سالهای ۱۹۶۳-۱۹۶۷ میلادی، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، تهران.
- گدار، آندره، ۱۳۶۴، آثار ایران، ابوالحسن سرومقدم، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
- لوشای، هاینتس، ۱۳۸۵، «دهکده بیستون قبل از تخریب»، در کتاب: بیستون؛ کاوش ها و تحقیقات سالهای ۱۹۶۳-۱۹۶۷ م، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، تهران، صفحات ۴۰۲-۳۹۷. - لوشای، هاینتس، ۱۳۸۵، «محوطه های باستانی همجوار با بیستون»، در کتاب: بیستون؛ کاوش ها و تحقیقات سالهای ۱۹۶۳-۱۹۶۷ م، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، تهران، صفحات ۴۰۹-۴۰۳.
- لوشای، هاینتس، ۱۳۸۵، «کارگاه سنگ تراشی ساسانی در دامنه کوه بیستون»، در کتاب: بیستون؛ کاوش ها و تحقیقات سالهای ۱۹۶۳-۱۹۶۷ م، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، تهران، صفحات ۱۳۶-۱۳۵.
- مترجم: عباس و یعقوب محمدی فر، ۱۳۸۱، بررسی، شناسایی و مستند سازی آثار باستانی شهرستان هرسین، آرشیو سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کرمانشاه (منتشر نشده).
- مرادی، یوسف، ۱۳۸۰، گزارش اولین فصل پژوهش های پل بیستون، مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی و گردشگری بیستون (منتشر نشده).
- مرادی، یوسف، ۱۳۸۱، گزارش دومین فصل پژوهش های پل بیستون، مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی و گردشگری بیستون (منتشر نشده).
- واندنبرگ، لویی، ۱۳۷۹، باستان شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- هرمان، جورجینا، ۱۳۷۳، تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان، ترجمه مهرداد وحدتی، چاپ اول، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- هرینک، ارنی، ۱۳۷۶، سفال ایران در دوران اشکانی، ترجمه حمیده چوبک، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، تهران.

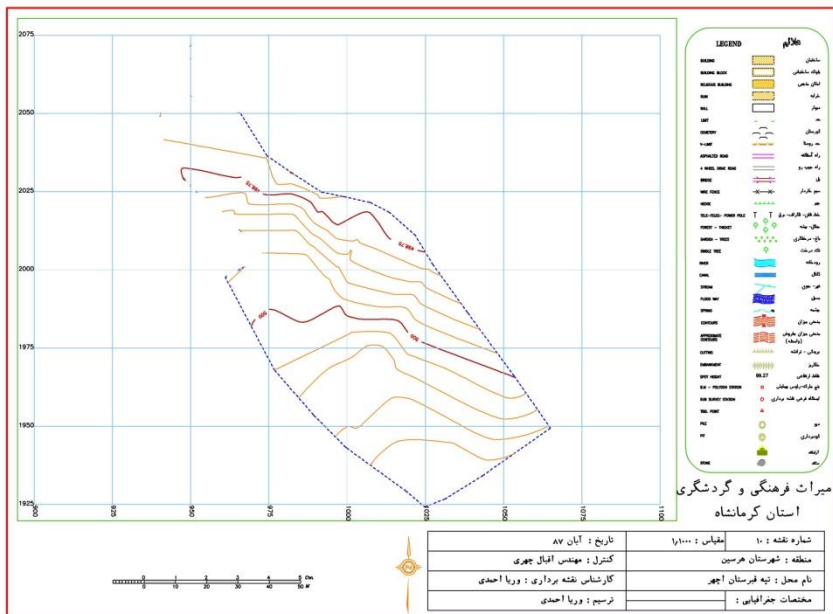
- Schmidt, E. 1940. Flights over Ancient Cities of Iran, Chicago.
- Smith, P.E. L. 1975. Ganjdareh Tepe, Iran VOL. XIII. PP: 178-180.
- Stine, S.O. 1940, Old routes in western Iran, New York, Green Wood Press.
- Young C.T, Smith P.E.L., 1966. Research in the Prehistory of Central Western Iran. Science 153: 386-391.
- Coon C.S., 1951. Cave Exploration in Iran 1949. Philadelphia: The University Museum Monographs, University Of Pennsylvania press, Philadelphia.
- Gopnik, H, 2003, The ceramics from Godin II in the late 7th to early 5th centuries be, in the book: continuity of empire? Assyria, Media, Persia, edited by Giovanni B. Lanfranchi, Italian ministry of university and Padova university, pp.249-268.
- Henrickson, Robert, A 1986, Regional perspective on Godin III cultural Development in central western Iran, Iran XXIV, British institute of Persian studies, pp. 1-56.
- Husing, S., 1921, "Iran im Mittelalter nach den arabischen". Geographen, IV 486f.
- Jaubert J, Biglari F, Bordes J-G, Bruxelles L, Mourre V, Shidrang S, Naderi R, Alipour S., 2006. New Research on Paleolithic of Iran: Preliminary Report of 2004 Iranian- French Joint Mission, Iranian center for Archaeological Research, Tehran.
- Keall, E.J, Margaret. A, Leveque and Nancy. W, 1980, Qaleh-I Yazdigird: its architectural decorations, Iran, vol.18, British institute of Persian studies, PP. 1 – 41.



تصویر شماره ۱، موقعیت جغرافیایی شهرستان هرسین (نگارنده)

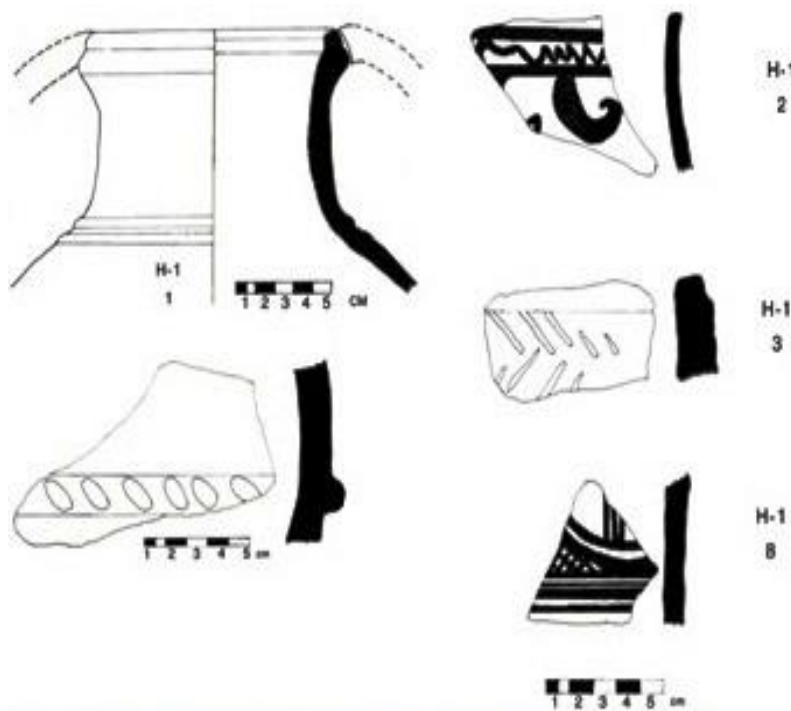


تصویر ۱. کروکی و موقعیت مکانی قبرستان چهر با عکس هوایی (نگارنده. Google Earth)



تصویر ۳. نقشه توپوگرافی تپه قبرستان چهر (نگارنده)

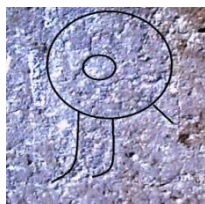
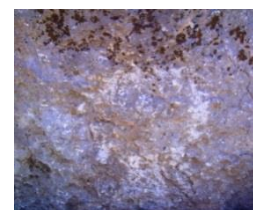




تصویر ۴. طرح و عکس برخی نمونه سفالهای تپه قبرستان چهر (نگارنده)

توضیحات	تزیینات	ماده چسباننده	رنگ			شیوه ساخت	پنج ت	پرداخت نهایی		نوع قطعه	شماره سفال
			خمیره	بیرونی	درونی			بیرونی	درونی		
عصر آهن (ماد) Gopnik, 2003: fig.135 	--	کانی	نخودی	نخودی	نخودی	چرخ ساز	ک افی	گلی	گلی	لبه وبدنه	۱
عصر مفرغ Henrickson, 1986; fig.4-21	هندسی با رنگ قهوه ای	کانی	نخودی روشن	کرم	نخودی روشن	چرخ ساز	ک افی	گلی صیقلی	گلی صیقلی	بدنه	۲
اشکانی هرینک؛ ۱۳۷۶	هندسی کنده	کانی	نخودی	نخودی	نخودی	چرخ ساز	ک افی	گلی	گلی	بدنه	۳
اشکانی هرینک؛ ۱۳۷۶	--	کانی	قهوه ای روشن	نخودی	قهوه ای روشن	چرخ ساز	ک افی	گلی	گلی	لوله	۴

۵	بدنه	گلی	گلی	ک	چرخ ساز	نخودی	نخودی	نخودی	کانی	تزیینات طنابی	اشکانی هرینک؛ ۱۳۷۶
۶	بدنه	گلی	گلی	ک افی	چرخ ساز	نخودی	نخودی	نخودی	کانی	هندسی سیاه	مفرغ Henrickson, 1986; fig.4-21
۷	لبه و بدنه	صیقلی	صیقلی	ک افی	چرخ ساز	خاکستری روشن	خاکستری روشن	خاکستری روشن	کانی	-----	عصر آهن
۸	بدنه و کف	لعابدار	لعابدار	ک افی	چرخ ساز	لعاب سبز	لعاب سبز	قهوه ای مایل به قرمز	کانی	رنگ سیاه کنده زیر لعاب سبز	اسگرافیتو ایلخانی (لوشای، ۱۳۸۵)
۹	لبه	گلی	گلی	ک افی	چرخ ساز	نخودی	نخودی	نخودی	کانی	--	اشکانی



تصویر ۵. عکس برخی سنگ های تراش خورده ی قبرستان چهر با علامت سنگ تراش بر روی آنها (نگارنده)



تصویر ۶. طرح علائم حجار بر روی پل خسرو از دوره ساسانی (کلایس، ۱۳۸۵: ۱۵۱)



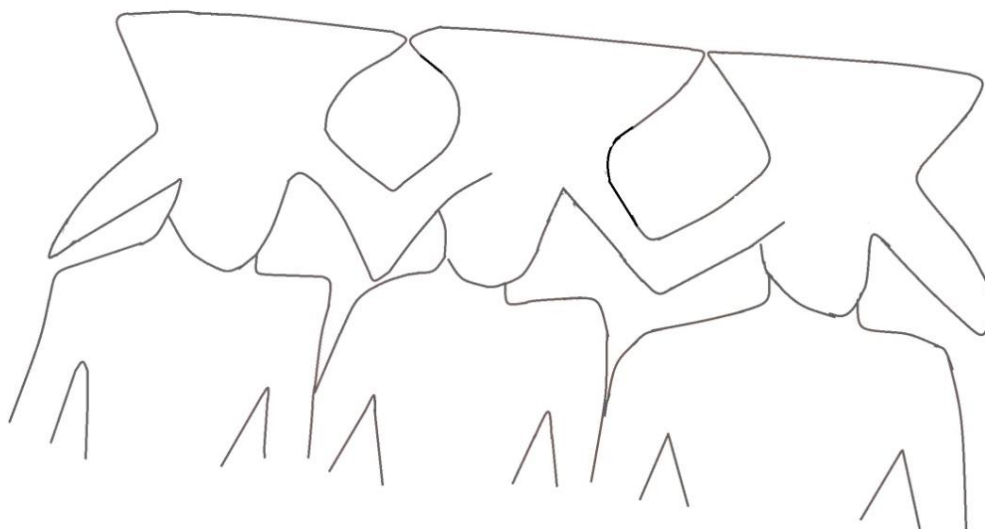


شکل ۷. عکس برخی سنگ های تراش خورده مستطیلی، دوزنقه ای و ناودانی شکل در قبرستان چهر (نگارنده)



تصویر شماره ۸ سنگ های آهکی تراش خورده و مایل به خاکستری از دوره ساسانی در قبرستان تخت شیرین (ردیف بالا)،

کاخ ناتمام ساسانی بیستون (ردیف پایین سمت راست)، قلعه سرماج (سمت چپ ردیف پایین) (نگارنده)



تصویر ۹. تصویر و طرح اشخاصی با کلاه های بلند بر روی سنگی عمودی در قبرستان چهر (نگارنده)





تصویر ۱۰. تصویر اشخاص کنار همدیگر با موهای آویزان شده از کنار سر در سنگ قبور قاجاری قبرستان های باباوگدین، ظلم آباد(نگارنده) و قبرستان کنار پل بیستون(کلایس و دیگران، ۱۳۸۵: عکس. ۵۶)



تصویر شماره ۱۱ طرح و تصویر قطعه ای گچی با نقش فردی ایستاده از قلعه یزدگرد با کلاه های لبه دار بلند (Keall et al, 1980: 22)



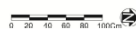
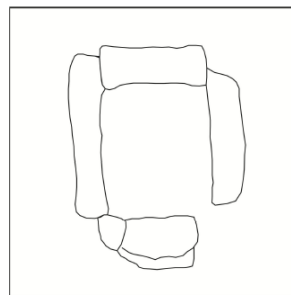
تصویر شماره ۱۲. نقاشی های دیواری کوه خواجه و حالت مشابه سه ربع چهره ای مشابه اشخاص با نقش سنگی مذکور (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۱: ۲۱۸)



تصویر شماره ۱۳. تصویر پایین تنه اشخاص بر روی یک سنگ شکسته شده عمودی از قبرستان چهر (نگارنده)



تصویر ۱۴. سنگ قبری عمودی در قبرستان چهر با تاریخ ۱۱۲۰ هجری قمری (نگارنده)



شکل ۹- سازه چهار خشتی ترانشه A کارگاه ۲ مسجد کبود (نوبری، ۱۳۷۹)